



صفحه از: علیرضا بهرامی

صفحه آخر

■ **همشهری آنلاین:** www.hamshahronline.ir

■ **سایت روزنامه:** newspaper.hamshahronline.ir

■ **صاحب امتیاز:**
مؤسسه همشهری
■ **مدیر مسئول:** محسن مهدیان
■ **سر دبیر:** دانیال معمار
■ **دبیر تحریریه:**
شهرام فرهنگگی
■ **معاونان سر دبیر:**
علی عمادی، شاهین امین
■ **مدیر فنی:** حامد یزدانی
■ **مدیر هنری:** مهدی سامانی
■ **دبیر عکس:** امیر پناهیپور

■ **سیاسی و دیپلماتیک:**
■ **مدیر:** حسین ارچلو
■ **شهرنگار:**
مدیر: پروانه بهرام یزداد
دبیر: مریم باقرپور
■ **اقتصاد:**
مدیر: حسین لطفی
دبیر: مریم موسوی پور
■ **تماشاگر:**
مدیر: امیر محمد یعقوب پور
دبیر: لیلی خرسند
■ **گزارش:**
مدیر: فهیمه طباطبایی

■ **سرزمین هن:**
مدیر: سیده زهرا عباسی
دبیر: زهرا رفیعی
■ **تندرستی:**
مدیر: جواد نصرتی
دبیر: مریم سرخوش
■ **سرنخ:**
مدیر: جواد عزیزی
دبیر: محمد جعفری
■ **دانشتپه:**
مدیر: ساسان شادمان
دبیر: زهرا لاجی
■ **محل:**
دبیر: زکیه سعیدی

■ **جامعه:**
مدیر: مسعود میر
دبیر: فاطمه عسگری نیا
■ **۲۴ (سینما و تلویزیون):**
مدیر: سعید مروی
دبیر: علیرضا محمودی
■ **صفحه آخر:**
مدیر: عباسی محمدی
■ **سرگرمی:**
مدیر: قرام شیرزادی
■ **طرح و گرافیک:**
دبیر: محمد علی حلیمی

■ **سر دبیر آنلاین:**
سید مجتبی صادقی
■ **معاونان آنلاین:**
کامران یارچی، حامد فوقانی
■ **مدیر محتوای تلویزیون:**
اسماعیل سلطنتپور
■ **مدیر چند رسانه‌ای:**
زهرا سادات بهشتی
■ **مدیر بخش زنده:**
امیر حسین محمد دوست
■ **مدیر تولید تلویزیون:**
الهه سادات بهشتی
■ **مدیر فضای مجازی:**
محمد حسین امیری

سوءه روز

دامن سنتی پویرادر بولیوی

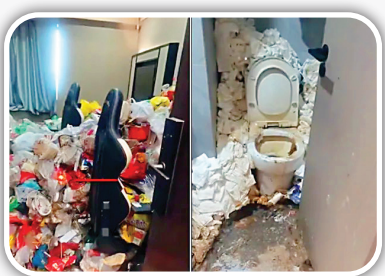


پیش از صعود به قله سفید، تجهیزاتی را مرور می کنند: پلپور ضخیم برای مقابله با سرما، طناب و کمربند ایمنی برای صعود به قله‌ای ۶۰۰۰ متری و عینک آفتابی برای محافظت در برابر آفتاب در خشان ارتفاعات؛ اما مهم‌تر از همه، دامن پر چین و صورتی پررنگی است که به تن دارد. این دامن زنگوله‌ای با چندین لایه زیردامنی که «پویرا» نام دارد، پوشش سنتی زنان بومی ارتفاعات بولیوی است. هر چند این لباس در گذشته توسط استعمارگران اسپانیایی تحمیل شد، اکنون با پارچه‌های محلی و طرح‌های غنی بازطراحی شده و به نمادی از هویت و افتخار در تنها کشور با اکثریت جمعیت بومی در منطقه تبدیل شده است. زنان بومی که به آنها «چولیتا» گفته می شود، این دامن را نه مانعی برای فعالیت‌های سخت و مردانه، بلکه نمادی از قدرت و ریشه‌های فرهنگی خود می دانند. گونزالس ماگینیا، کوهنورد حرفه‌ای ۴۰ ساله در مقابل قله پوشیده از برف «هواینا پوتوسی» می گوید: «ورزش ما سخت و طاقت فرساست. انجام آن با پویرا نشان دهنده قدرت ماست؛ این یعنی ارزشگذاری به ریشه‌هایمان. این فقط یک نمایش نیست.»

زنان معدنچی، اسکیت باز، کوهنورد و کشتی گیر در سراسر بولیوی نیز همین دیدگاه را دارند و پوشیدن پویرا را در فعالیت‌های حرفه‌ای و فیزیکی، نمادی از توانمندی و قدرت زنانه می دانند. ماکاریا الخاندرو، معدنچی ۴۸ ساله از پالست اووروو با دامنسی خاکی و غبار آلود می گوید: «ما زنان با پویرا، می‌خواهیم به پیش برویم. من اینگونه کار می‌کنم و این لباس را با افتخار می‌پوشم.» رئیس جمهور مورالس از زمانی که دولت خود را به «دولت چندملیتی بولیوی» خواند برای نخستین بار، وزرا و مقامات زن این کشور با پوشیدن پویرا در راهروهای قدرت حضور یافتند و دامن سنتی خود را به رخ جهانیان کشاندند.

دور دنیا

اعتیاد به بازی!



اعتیاد که شاخ و دم ندارد و هر که را در هر زمینه‌ای می‌تواند گرفتار کند، خامناسوز است و ویران کننده؛ حتی اگر این اعتیاد به بازی‌های کامپیوتری و فناوری روز باشد! نمونه‌اش اتفاقی است که هفته گذشته رخ داد و توجه رسانه‌ها و کاربران شبکه‌های اجتماعی را به خود جلب کرد.

در یکی از هتل‌های مخصوص بازی‌های ویدئویی در شهر چانگ‌چون واقع در استان جیلین چین، پس از آنکه یکی از مهمانان بلندمدت این هتل اتاق خود را ترک کرد، کارکنان با محنه‌ای باورنکردنی مواجه شدند: کوهی از زباله، ظروف غذای بیرون بر، بطری‌های پلاستیکی، دستمال‌های استفاده شده و بوی تعفن غیرقابل تحمل. پاکسازی این اتاق ۳ روز به طول انجامید و هنوز هم این اتاق برای استفاده مجدد آماده نیست.

این مهمان که به گفته کارکنان هتل، به مدت ۲ سال در اتاق زندگی کرده بود، تقریباً هرگز آن را ترک نمی‌کرد و اجازه ورود به خدمه نظافت را نمی‌داد. او حتی برای تهیه غذای نیز از اپلیکیشن‌های تحویل غذا استفاده می‌کرد و چهره‌اش برای بسیاری از کارکنان ناشناخته باقی مانده بود. این هتل که به‌طور خاص برای کاربران بازی‌های ویدئویی یا کامپیوتری طراحی شده، اتاق‌هایی با تجهیزات پیشرفته بازی، اینترنت پرسرعت و صندلی‌های مخصوص بازی ارائه می‌دهد.

پس از کشف این وضعیت فاجعه‌بار، مدیر هتل تصاویر اتاق را در شبکه‌های اجتماعی منتشر کرد تا توجه عمومی را به خطرات اعتیاد به بازی‌های ویدئویی جلب کند. همچنین اعلام شد که این مهمان بدون پرداخت حدود ۴۰۰ دلار هزینه اقامت ۱۰ روز آخر، هتل را ترک کرده است.

این اتفاق تنها نمونه‌ای از پیامدهای افراط در بازی‌های ویدئویی است؛ در سال ۲۰۱۸، در ژاپن نیز موردی مشابه گزارش شد که در آن یک گیم‌ر جوان پس از ماه‌ها زندگی در یک اتاق اجاره‌ای، آن را در وضعیتی مشابه و غیرقابل سکونت رها کرد. همچنین در کره جنوبی، مواردی از مرگ ناشی از بازی مداوم بدون استراحت گزارش شده است.

این رویدادها زنگ خطری برای جوامع مدرن است که با رشد صنعت بازی‌های ویدئویی، باید بیش از پیش به سلامت روانی و اجتماعی کاربران توجه کنند.

فاطمه عباسی | روزنامه‌نگار | وقتی رنگ را از قاب تماشا حذف می‌کنیم، چه چیزی باقی می‌ماند؟ شاید در نگاه اول تصور کنیم که تصویر، چیزی کم دارد؛ اما حقیقت این است که عکس سیاه‌وسفید، جهان را عریان تر، صادقانه تر و بی‌واسطه تر نشان می‌دهد. در دنیایی که چشمان ما هر لحظه با هجوم هزاران رنگ و نئون و زرق‌وبرق بمباران می‌شود، پناه بردن به «خاکستری‌ها» فرصتی است برای دیدن خود واقعیت. در غیاب رنگ، این «بافت»، «فرم» و «نور» هستند که پادشاهی می‌کنند و عکاس، نه با جعبه مدادرنگی که با جوهر احساسش قصه می‌گوید.



«دوارد مولدوین» در اثر «۱۲ سال بعد از آن حادثه فراموش نشدنی»، با ثبت دو ستون نورانی در آسمان شب نیویورک، مرثیه‌ای تصویری و باشکوه برای واقعه ۱۱ سپتامبر خلق کرده است.



«اریک براوت» در اثر «پل گلدن گیت»، سازه غول‌پیکر سن فرانسیسکو را در آغوش مه غلیظ ثبت کرده تا عبور آرام قایق، شکوهی را از آلود به‌خود بگیرد.

«ژان» در قاب دلپره آور «فاصله»، قامت کوچک انسان را بر لبه پرتگاه تروژ نشانده تا در برابر عظمت کوهستان، معنای واقعی دور دست‌ها را ترسیم کند.



«مارو ویساکسی» در اثر هوشمندانه «درخواست برای صدور اجازه فرود» با جادوی انعکاس در ویرانه‌های صربستان، ششای اردک را به پرواز سوررئال میان ستون‌های بتنی بدل کرده است.



«ایروان ساینگر» در قاب تماشایی «برتاب تور»، صیاد قبیله «بادوی» اندونزی را میان رقصی از قطرات آب ثبت کرده تا تلاشی روزمره را به یک شاهکار بصری بدل کند.

هشتگ

طعم ایرانی ترند جدید عربستان



در روزهای اخیر، تصاویر و ویدئوهای یک بستنی فروشی خاص در مدینه منوره توفانی در شبکه‌های اجتماعی به راه انداخته است. ماجرا از یک بستنی قیفی خوش‌رنگ و لعاب شروع می‌شود که نه تنها ظاهر دل‌فریبی دارد، بلکه نام و نشانش برای ابرانی‌ها بسیار آشنا و غرور آفرین است: بستنی با طعم اصل گل محمدی.

این کسب‌وکار خلاق در یکی از خیابان‌های شلوغ مدینه توانسته با بهره‌گیری هوشمندانه از «گل محمدی» به‌عنوان امضای برند خود، به توند داغ این روزهای مجازی تبدیل شود. کاربران پلتفرم‌های اجتماعی، به‌ویژه در اینستاگرام و تیک‌تاک با اشتراک‌گذاری تجربه خود از این محصول ناخوابسته به‌بازارباب‌های قدرتمند این فروشگاه تبدیل شده‌اند. اما نکته‌ای که شاید بیش از همه بحث‌برانگیز شده بر حسب قیمت این محصول است. هر اسکوپ از این بستنی معطر ۲۰۰ ریال سعودی قیمت‌گذاری شده که با احتساب نرخ روز ارز، رقمی در حدود ۶۰۰ هزار تومان می‌شود. شاید در نگاه اول پرداخت چنین مبلغی برای یک بستنی قیفی غیرمنطقی به نظر برسد، اما صاف‌های طولانی مشتریان مشتاق حکایت دیگری دارد.

راز موفقیت این بستنی‌فروشی را نباید صرفاً در طعم آن جست‌وجو کرد. این پدیده کلاس درسی تمام‌عیار در حوزه برندینگ و تجربه‌سازی است. مالک این فروشگاه با انتخاب هوشمندانه گل محمدی که ریشه‌ای عمیق در فرهنگ و تاریخ ایران دارد و عطر آن برای زائران یادآور معنویت است، هویتی منحصر به‌فرد برای محصولش خلق کرده است. او به‌جای فروش یک کالا، یک «تجربه» را می‌فروشد، تجربه‌ای که ترکیبی از طعم نوستالژیک، چیدمان بصری زیبا (با استفاده از گلبرگ‌های طبیعی روی بستنی) و حس لوکس بودن است.

و ایرال شدن این بستنی نشان می‌دهد که چطور یک المان سنتی و بومی ایرانی وقتی با بسته‌بندی مدرن و بازاریابی دقیق همراه شود، می‌تواند مرزهای جغرافیایی را درنوردد و حتی با قیمتی گزاف مشتریان را براساعت‌ها در صف نگه دارد. این موفقیت بار دیگر ظرفیت‌های پنهان محصولات کشاورزی و فرهنگی ایران را در بازارهای جهانی به‌رخ می‌کشد.

عکس خانه

مهارلو دوباره خندید



آسمان استان فارس در روزهای پایانی پاییز امسال سخاوتمندانه بارید تا یکی از مهم‌ترین اکوسیستم‌های طبیعی جنوب کشور جانی دوباره بگیرد؛ بارش‌های سیل‌آسا با میانگین کم‌نظیر ۸۶.۴ میلی‌متر فرشته نجات تالاب مهارلو شد؛ دریاچه‌ای که تا همین چندی پیش، خشکی و تشنگی نفسش را به شماره انداخته بود.

این پهنه آبی ۶۰۰ کیلومتر مربعی که در ۲۰ کیلومتری جنوب شرقی شیراز و در مسیر سروستان واقع شده، حالا دیگر بستر خشک و نمک‌زار نیست. تصاویر ماهواره‌ای و میدانی به‌خوبی نشان می‌دهد که چگونه آب دررگ‌های این دریاچه جریان یافته و رنگ صورتی و دلفریش را احیا کرده است.

اما شاید زیباترین پیامد این سیراب شدن آشتی دوباره طبیعت باشد. دسته‌های پر شمار فلامینگو که با قهر آب از این دیار کوچ کرده بودند، بار دیگر با زنان به‌خانه بازگشته و منظره‌ای رؤیایی روی آب خلق کرده‌اند.

زنده شدن مهارلو نه‌تنها خبری مسرت‌بخش برای فعالان محیط‌زیست است، بلکه چراغ گردشگری منطقه را نیز روشن کرده و پیش‌بینی می‌شود به‌زودی سیل مشتاقان طبیعت برای تماشای رقص فلامینگوها راهی شیراز شوند.